



بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) - 15 / تیر / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

تبریک عرض میکنیم این میلاد مسعود را که حقیقتاً خاطره‌ی این روز برای همه‌ی آزادگان عالم گرامی است. هر کسی که علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) را ولو از دور بشناسد، یقیناً در یادبود روز ولادت این بزرگمرد آفرینش احساس شادمانی میکند. ما مردم مسلمان و بخصوص شیعیان امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در قبال این شخصیت عظیم وظائفی داریم؛ مسئولیتهائی داریم.

مقام امیرالمؤمنین در نزد خداوند متعال در سایه‌ی مجاهدت، عبادت، تلاش و فداکاری برای آن بزرگوار به دست آمده است. خدای متعال قبل از خلقت این انسانهای بزرگ، نتیجه‌ی آزمون خود درباره‌ی آنها را میداند. پاداش این آزمونها همان طینت پاک، همان خلقت ممتاز، همان خصوصیات است که در این وجود مقدس و سایر معصومین (علیهم السلام)، خدای متعال جمع فرموده است. همین خصوصیات موجب میشود که امیرالمؤمنین در چشم پیغمبر اکرم آن رتبه و مقام عالی را به دست بیاورد.

در روایات اهل سنت درباره‌ی محبت پیغمبر به امیرالمؤمنین (علیهما الصلاة والسلام) مطالبی آمده است که برای همه‌ی مسلمانان قابل تدبر و قابل توجه است. در سنن «ترمذی» که از صحاح سته‌ی اهل سنت است، از قول ام المؤمنین - عایشه - نقل میکند که ایشان گفته است که: «ما خلق الله خلقا احب الی رسول الله (صلی الله علیه و اله) من علی»؛ یعنی ایشان شهادت میدهد که در میان خلائق هیچ انسانی محبوبتر از امیرالمؤمنین در نزد پیغمبر و در چشم پیامبر مکرم نبود.

باز در یک روایت دیگری، احمد حنبل - که از ائمه‌ی چهارگانه اهل سنت است - از اسماء بنت عمیس نقل میکند که گفت: پیغمبر اکرم دست به دعا برداشت و عرض کرد: «اللهم انی اقول لك كما قال اخى موسى اجعل لی وزیرا من اهلی اشدد به ازری و اشركه فی امری علی کی نسبحك كثيرا و نذكرک كثيرا»؛ یعنی پیغمبر اکرم به خداوند متعال عرض میکند: پروردگارا! همان طوری که موسای پیغمبر از تو درخواست کرد که برای او وزیری قرار بدهی، شریکی قرار بدهی که در کارها به او کمک کند و همراه او باشد و بازوی توانای او باشد، من هم از تو درخواست میکنم که علی را وزیر من و شریک من و بازوی توانای من قرار بدهی.

این حقائق را دنیای اسلام در مقابل چشم دارد. آن مقامات معنوی امیرالمؤمنین، آن قرب به خدای متعال، آن قدرت مسیطری که خدای متعال به این ذوات مقدسه داده است، آنها از درک امثال ما خارج است؛ اما این چیزها در مقابل چشم ماست؛ این را همه می بینند، همه میفهمند. امیرالمؤمنین مثال عالی تربیت اسلامی است. هم دوران سربازی و مجاهدت را گذرانده است، هم دوران غربت را گذرانده است، هم دوران حکومت و زمامداری را گذرانده است. هر کدام از اینها مشتمل بر درسهای فراوانی برای امت اسلام است که اگر ما امروز به این درسها عمل نکنیم، صراط مستقیم هدایت و تکامل و تعالی در مقابل ما باز خواهد شد. از این مناسبتها این استفاده‌ها را باید کرد؛ این درسها را باید گرفت.

یک سطر از سطور کتاب قطور منقبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که این بزرگوار در طول این زندگی پرمجرای خود به چیزهائی اهتمام داشتند، از جمله عدالت و وحدت. اینها برای ما درس است. وحدت امت اسلامی برای امیرالمؤمنین مهم بود. استقرار عدالت در میان امت اسلامی هم برای امیرالمؤمنین مهم بود. حق طلبی آن بزرگوار در هر دو جا خود را نشان میدهد؛ هم در آنجائی که در پی عدالت دشوارترین آزمونهاى زندگی خود را تحمل میکند؛ آن سختیها را، آن مجاهدتهای دشوار را، آن جنگهائی را که بر آن بزرگوار تحمیل شد - آن سه جنگ دوران کوتاه حکومت، که اینها را تحمل میکند؛ چون دنبال عدالت است. حق را در اینجا با قاطعیت تعقیب میکند - هم در



آنجائی که امیرالمؤمنین به خاطر خدا، به خاطر مصالح اسلام، به خاطر وحدت مسلمانان، از حقی که برای خود او مسلم است، چشم پوشی میکند و در مقام معارضه برنمی آید؛ اسلام را، مسلمانان را، جامعه ی اسلامی را، وحدت اسلامی را پاس میدارد.

«فامسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام يدعون الی محقّ دین محمد (صلی الله علیه و اله)»
1:

یعنی آن وقتی که دیدم مسئله ی اسلام مطرح است، مصالح اسلامی، مصالح جامعه ی اسلامی مطرح است، در آنجا دیگر سکوت را جایز ندانستم، آمدم وسط میدان برای ایجاد وحدت. مال دوران اول پس از رحلت پیغمبر و آن دوران محنت امیرالمؤمنین است؛ آنجا هم حق را با قاطعیت دنبال میکند. این حق در اینجا وحدت است. اینها برای ما درس است.

جامعه ی اسلامی در تمام ادوار مختلف از ناحیه ی بی عدالتی ضربه خورده است؛ و از ناحیه پراکندگی و نفاق و جدائی افراد از یکدیگر و مقابل یکدیگر ایستادن، ضربه خورده است. از این چیزها دنیای اسلام ضربه خورده. هر چه شما به تاریخ اسلام مراجعه کنید - بخصوص در قرون اخیر - این معنا را روشنتر می بینید. دنیای اسلام نیازمند اتحاد است. امیرالمؤمنین مایه ی وحدت دنیای اسلام باید باشد. دشمنان اسلام میخواهند بین طوائف مسلمان به وسیله ی امیرالمؤمنین که خود وسیله ی وحدت و اتحاد است، اختلاف ایجاد کنند. اینها را باید دنیای اسلام بگوش باشد.

امروز کسانی و دستهایی را که برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی به شیعه تهمت میزنند، بدگویی میکنند، اختلاف افکنی میکنند، ببینند. از این طرف هم همین جور؛ یک کسانی از این طرف احساسات برادران مسلمان خودشان را تحریک میکنند، جریحه دار میکنند، آزرده میکنند. دنیای اسلام باید متحد باشد. امروز دنیا این را میخواهد. امروز نیازهای جامعه ی اسلامی این را میطلبد که جوامع اسلامی با هم باشند، در کنار هم باشند، اتحاد و اتفاق داشته باشند، نگذارند دشمنانی از ضعف آنها استفاده کنند؛ دشمنانی که خودشان به طور طبیعی قدرتی ندارند. اسرائیل چیست؟ دشمن صهیونیستی در مقابل یک میلیارد و نیم مسلمان عددی نیست؛ به حساب نمی آید. اختلاف در دنیای اسلام - این ضعفی که در درون دنیای اسلام است - موجب میشود که دشمن ضعیف بتواند راه خود را پیدا کند، یارگیری کند، از بین برادران مسلمان دشمن برای خود یارگیری کند.

این مسئله را ملت ایران هم باید توجه داشته باشند. ما یک ملت متحدیم؛ اسلام ما را متحد کرد؛ انقلاب ما را بیدار کرد؛ دلهای ما را به هم نزدیک کرد؛ انگیزه های ما را در هم تنیده کرد؛ به هم پیوند زد؛ شدیم یک مشت محکم و مقتدر در مقابل دشمنان نظام اسلامی و دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان ایران. دشمنان منتظرند این اتحاد کلمه را به هم بزنند؛ بین مردم ایجاد نفاق کنند؛ ایجاد اختلاف کنند؛ برادران را در مقابل هم قرار بدهند؛ باید ملت ایران هوشیار باشد.

در همین قضایای انتخابات پرشور بیست و دوی خرداد که یک حرکت عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانستند شرکت کنند، در دنیا جزو رقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانائی به صحنه آوردن مردم را دارد. دشمنان دست به کار شدند، بین مردم اختلاف بیندازند، تا حدودی هم موفق شدند. لیکن ملت باید حرکت دشمن را خنثی کند.

سیاست نظام جمهوری اسلامی، سیاست روشنی است. رقابت در بین نامزدهای ریاست جمهوری به نگاه ما، به عقیده ی ما، یک رقابت درون خانوادگی است، گاهی به عصبانیت هم میکشد. دو برادر هم ممکن است داخل خانواده در



مقابل هم قرار بگیرند؛ به دشمن چه ربطی دارد؛ به بیگانگان چه ربطی دارد. بیگانگانی که در این قضیه در سطوح مختلف سیاسی و تبلیغاتی وارد این میدان شدند، نیتشان ایجاد شقاق و اختلاف بود؛ ایجاد شکاف بود. بعضی از سران کشورهای غربی در سطح رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیر خارجه و مسئولان گوناگون، صریحاً در مسئله‌ی داخلی ملت ایران دخالت کردند. به شما چه؟ چرا در ماجرائی که مربوط به ملت ایران است، دخالت میکنید؟ دخالت میکنند، بعد هم میگویند ما دخالت نمیکنیم؛ پس دخالت معنایش چیست؟ تشویق اغتشاشگری دخالت نیست؟ مردم ایران را اغتشاشگر معرفی کردن، دخالت نیست؟ اهانت نیست؟ دو دسته، یک دسته به یک نامزد، یک دسته به یک نامزد دیگر رأی دادند، اکثریت و اقلیتی هست، قواعدی هست، آن کسانی که نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاشگر نیستند. اغتشاشگر یک عده‌ی معدودی هستند؛ همانهایی که بودجه‌ی تصویب شده‌ی بعضی از دولتهای غربی را برای ایجاد اختلاف در داخل ایران مصرف میکنند، آنها اغتشاشگرند. در رسانه‌های آمریکائی و اروپائی - که غالباً تحت سلطه‌ی صهیونیستهایند و از بن دندان دشمن ملت ایران و دشمن اسلام و دشمن نظام جمهوری اسلامی اند - اینجور وانمود میکنند که جمعی از ملت ایران اغتشاشگرند.

ما اخطار میکنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی میکنند از یک مسئله‌ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار میکند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس العمل نشان میدهد.

اولاً این را همه بدانند، سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله‌گران فضول در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت ایران به میان بیاید، همه با هم متحد میشوند؛ یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما میشوند.

اینجور نیست که شما خیال کنید وقتی از یک جریانی به خیال خودتان دفاع کردید، حمایت کردید، این جریان به شما متمایل خواهد شد؛ ابداً. ما سی سال تجربه داریم؛ سی سال این ملت در حافظه‌ی خود دشمنی‌های شما را ثبت کرده است؛ ضبط کرده است. ملت میفهمد شما چکار میخواهید بکنید، چکار دارید میکنید. اسم بعضی‌ها را می‌آورند به عنوان اینکه ما مدافع آنها هستیم؛ دروغ میگویند؛ مدافع آنها هم نیستند؛ قصدشان ایجاد اختلاف است، قصدشان ایجاد بدبینی ملت ایران و نخبگان ایران نسبت به یکدیگر است؛ دروغ میگویند.

آنچه در دل‌های پرکینه‌ی آنها وجود دارد، این است که آرزو میکنند این نظام مستقل، این مجد و عزت سربرافراشته‌ی از این کشور که در مقابل زورگوئی‌های آنها ایستاده، نباشد. آرزوی آنها این است. اینجور نیست که در نظام جمهوری اسلامی با زیدی خوب باشند، با عمروی بد باشند؛ نه. هر کسی که به این نظام پایبند است، هر کسی که به این قانون اساسی پایبند است، هر کسی که به آرمانهای ملت ایران پایبند است، از نظر آنها دشمن است. آنها میخواهند جمهوری اسلامی نباشد، یک نظام دست‌نشانده‌ی مطیع منقاد در مقابل آنها، مجدداً مثل دوران گذشته، در این کشور پا بگیرد. آنها دنبال این اند. این خواب آشفته‌ی باطل آنهاست.

سی سال تجربه‌ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنی‌هایی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده اند، اینها را به خود نیاورده است، به هوش نیاورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشک.

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولتها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده‌ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله‌گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل بکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه‌دار و تثبیت شده است. مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست



اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند. متأسفانه این دستگاه‌های تبلیغاتی و مخرب و معاند با جمهوری اسلامی و با ملت ایران، دنباله‌هایی هم در داخل کشورمان دارند که مال امروز هم نیست، از دوران دفاع مقدس هم چنین چیزهایی بود. آنها هم به هوش بیایند و بدانند که پشتیبانی این گرگ‌های درنده به دردشان نمیخورد. اینها به فکر خودشان هستند، به فکر منافع خودشان هستند. از آدمها تا آنجائی که منافع آنها تأمین بشود، استفاده میکنند؛ همچنانی که از محمدرضا و صدام استفاده کردند. آن وقتی هم که لازم نبود، مثل يك دستمال کثیف شده ای مچاله میکنند و پرتابشان میکنند کنار؛ همچنانی که از محمدرضا شاه در دوران نکبتش حمایت نکردند، از صدام در دوران رسوائی و نکبتش حمایت نکردند. کسی به آنها دل نبندد.

مردم هوشیارند، نخبگان هوشیارند. متأسفانه افراد معدودی دل به اینها میسپارند و از فریب آنها فریب میخورند. فریب خوردن اینها هم علامتهای غلط به آنها میدهد، آنها هم به نوبه ی خود فریب علامتهای اینها را میخورند. ملت هوشیار است و هوشیار باشد. من توصیه ام به همه ی ملت ایران این است: امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه ی جناحهاست.

نظام اسلامی با اخلاگران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد؛ اما این را هم باید همه توجه داشته باشند:

مبادا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر يك خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف يك عده ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند. این فتنه‌هایی که دشمن بر پا کرده بود، امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل آلود ماهی بگیرد. بحمدالله این فتنه‌ها تمام شد. هر فتنه ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت؛ گرد و غبار فرو خواهد نشست. همیشه همین جور است.

حواشی ایجاد شده ی به وسیله ی يك عده دشمن، يك عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در يك انتخابات پرشکوه، تقریباً چهار میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهار میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گرد و غبارها، پیرایه‌ها، کارها و حرفهای دشمن شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فأما الرّيب فيذهب جفاء و أما ما ينفع الناس فيمكث في الأرض»².

البته مسئولین هم، رئیس جمهور منتخب هم باید قدر این اقبال مردمی را بداند. شکر این توجه مردم، عبارت است از خدمت کامل و جامع برای حل مشکلات مردم؛ تلاش برای پیشبرد کشور و تلاش برای حفظ اتحاد ملت بزرگ ایران. اینها حقائق است که وجود دارد. شما ملت ایران در این برهه ی از زمان کار بزرگی را انجام دادید، حرکت بزرگی را انجام دادید و خدای متعال به حول و قوه ی خود به این حرکت برکت خواهد داد و پیش خواهد رفت. شکر مسئولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است؛ حفظ وحدت، حفظ هوشیاری، حفظ برادری، نگاه مشفقانه ی به یکدیگر. دشمن میخواهد این نباشد و شما سعی کنید که این چه که دشمن را خشمگین میکند، آن



را انجام بدهید و آنچه که قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) را شاد خواهد کرد، او همین وحدت و مهربانی و همکاری و نشاط و حرکت انقلابی ملت ایران است. امیدواریم که دعای ولی عصر شامل حال همه ی شما باشد و ان شاءالله روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه ی شهدا از همه ی ما راضی باشد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1. نهج البلاغه، نامه ی 62

2. رعد: 17